

Identifying the Dimensions and Components of Economic annex in University Administration¹

Article Type: Research

Saiedeh Mansouri 

Vahid Mehrbani 

Rahmatolah Allahyari 

Hamid Reza Yazdani 

PhD Student in Economics and Financial Management in Higher Education, Educational Management and Planning Dept, Faculty of Psychology and Educational Sciences University of Tehran, Tehran, Iran. Email: smansori@ut.ac.ir

Corresponding Author:

Assistant Professor, Educational Management and Planning Dept, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: vmehrbani@ut.ac.ir

Assistant Professor, Educational Management and Planning Dept, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: ralahyari@ut.ac.ir

Associate Professor, Leadership and Human Capital Department, Public Management and Organizational Sciences Faculty, Collage of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: hryazdani@ut.ac.ir

Abstract

Objective: This study aims to identify the dimensions and components of the economic annex in university management and propose a structured framework for improving the economic efficiency of university programs and operations.

Method: This research is applied in terms of purpose and qualitative in nature, conducted through the meta-synthesis method. The statistical population includes all domestic and international scientific sources and databases related to economic management and economic annex in university administration, within the time frame of 2015 to 2025 (1394–1404 in the Iranian calendar). After systematic review and screening, 305 articles were initially extracted using the CASP tool, of which 82 were purposefully selected. Their validity was confirmed through Cohen's Kappa coefficient test.

Findings: Through qualitative content analysis, this study identified 79 key concepts, 22 intermediate components, and 8 main dimensions of the economic annex in university management. The main dimensions include: optimal financial resource management; financial provision, development, and sustainability; human capital development; social responsibility of universities; attention to emerging novel economic approaches; strengthening university–industry interactions; alignment with macro-university policies; and international engagement. These dimensions were ultimately conceptualized within an integrated model.

Conclusion: The findings suggest that incorporating educational economic considerations into university management is a rational and strategic necessity. The economic annex can enhance economic performance through evidence-based evaluations of university programs, leading to improved resource management, greater financial independence and sustainability, increased efficiency in resource allocation, and the development of an economically responsible academic culture.

Keywords: Higher Education Economics, Economic Annex, Economic Decision-Making, Meta-Synthesis, University Management

¹ This paper is taken from a doctoral dissertation in Higher Education, majoring in Economics and Financial Management, at the University of Tehran.

شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاهی^۱

نوع مقاله: پژوهشی

دانشجوی دکتری آموزش عالی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: smansori@ut.ac.ir

سعیده منصوری 

نویسنده مسئول:

استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: vmehrbani@ut.ac.ir

وحید مهربانی 

استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: ralahyari@ut.ac.ir

رحمت اله الهیاری 

دانشیار گروه رهبری و سرمایه انسانی دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hryazdani@ut.ac.ir

حمیدرضا یزدانی 

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاهی و ارائه چارچوبی نظام‌مند، جهت ارتقای کارآمدی اقتصادی برنامه‌ها و فعالیت‌های دانشگاهی است.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی بوده و با استفاده از روش فراترکیب انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه منابع و پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی در حوزه مدیریت اقتصادی و پیوست اقتصادی در اداره دانشگاه‌ها، در بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۲۵ و ۱۴۰۴-۱۳۹۴ است. پس از مطالعات و بررسی‌های لازم ۳۰۵ مقاله با استفاده از ابزار کاسب استخراج و در نهایت ۸۲ مقاله به صورت هدفمند انتخاب و اعتبار آن از طریق آزمون کاپای کوهن تأیید گردید.

یافته‌ها: در این پژوهش ابعاد و مؤلفه‌های پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاه‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی در قالب ۷۹ مفهوم کلیدی، ۲۲ مفهوم ثانویه (مؤلفه) و ۸ مقوله (ابعاد) اصلی استخراج شدند. ابعاد اصلی شناسایی شده عبارت‌اند از: مدیریت بهینه منابع مالی، تأمین، توسعه و پایداری مالی، توسعه سرمایه انسانی، توجه به مسئولیت اجتماعی دانشگاه، توجه به رویکردهای نوین اقتصادی، تقویت ارتباط و تعامل با صنعت و بازار، همسویی با برنامه‌ها و سیاست‌های کلان دانشگاه و حضور در عرصه بین‌الملل که در نهایت در قالب یک الگوی تلفیقی شامل ابعاد و مؤلفه‌های پیوست اقتصادی ارائه شدند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در فرایند مدیریت دانشگاهی توجه به آموزه‌ها و ملاحظات اقتصاد آموزش، ضرورتی عقلانی و راهبردی است این جریان می‌تواند به واسطه پیوست اقتصادی، به ارتقای کارکردهای اقتصادی دانشگاه، از جمله بهبود مدیریت منابع، افزایش استقلال و پایداری مالی، ارتقای بهره‌وری در تخصیص منابع و توسعه فرهنگ و مسئولیت‌پذیری اقتصادی دانشگاه‌ها در سطح جامعه منجر شود.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد آموزش عالی، پیوست اقتصادی، تصمیمات اقتصادی، فراترکیب، مدیریت دانشگاهی

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته آموزش عالی گرایش اقتصاد و مدیریت مالی در دانشگاه تهران است.

مقدمه و بیان مسئله

آموزش عالی به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام اقتصادی-اجتماعی، نقشی اساسی در توسعه پایدار کشورها دارد. ارتقای رتبه علمی دانشگاه‌ها، گسترش علوم نوظهور و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و زیرساخت‌های فناورانه، بیانگر ظرفیت بالای آن در تولید دانش و فناوری است. (خادمی و فتح‌نبار فیروزجانی، ۱۴۰۱). با وجود این دستاوردها، دانشگاه‌های کشور با چالش‌های مالی و اقتصادی جدی روبه‌رو هستند که کارایی و پاسخگویی آن‌ها را کاهش داده است. این مشکلات هم ناشی از فشارهای بیرونی مانند تحریم و کاهش منابع عمومی و هم ناشی از ضعف‌های درونی در ساختار و مدیریت مالی آموزش عالی است (منجم زاده، نادری، گرابی نژاد، پور رستمی، ۱۳۹۸). یکی از علل بنیادین این وضعیت، فقدان جایگاه بایسته اقتصاد آموزش عالی در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات دانشگاهی است؛ به گونه‌ای که نتایج مطالعات علمی این حوزه، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند و سازوکار اقتصادی یکپارچه در مدیریت دانشگاهی وجود ندارد (خادمی و همکاران، ۱۴۰۱)، لذا بهبود کارایی و اثربخشی دانشگاه‌ها، نیازمند تحول در نظام مدیریت اقتصادی و طراحی الگوهای نوین تأمین مالی است (یورداجه^۱، ۲۰۱۷).

یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که چالش‌های اقتصادی دانشگاه‌ها بخشی ریشه در ناکارآمدی نظام تخصیص منابع، نادیده گرفتن ابعاد اقتصادی تصمیمات و فقدان الگوهای پایدار درآمدزایی دارد (خادمی و همکاران، ۱۴۰۱) و از سوی دیگر، محدودیت منابع و فشارهای ناشی از تحریم، ضرورت توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را تشدید کرده است. در این شرایط، مدیران دانشگاهی ناگزیر به بهره‌گیری از رویکردهای علمی در مدیریت اقتصادی آموزش عالی هستند (نادری روشناوند، فتح‌نبار، عزتی و دین محمدی، ۱۴۰۲). در این میان، مفهوم «پیوست اقتصادی» به عنوان یک ابزار تحلیلی و تصمیم‌سازی نوین، می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران در جهت مواجهه جامع و مؤثر با مسائل اقتصادی دانشگاه‌ها باشد. این مفهوم با تأکید بر برنامه‌ریزی مالی، متنوع سازی درآمدها، تجاری‌سازی دانش و تقویت ارتباط با صنعت، بستری برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های اقتصادی دانشگاه‌ها فراهم می‌سازد (توتکوشیان و پالسن^۲، ۱۴۰۰). درونی سازی پیوست اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های دانشگاهی باعث می‌شود که سیاست‌گذاران، تأمین‌کنندگان مالی و مدیران دانشگاه‌ها با نگاهی جامع به مسائل اقتصادی، بتوانند در جهت ارتقای بهره‌وری و کاهش ریسک‌های مالی اقدام کنند چرا که بهره‌گیری از پیوست اقتصادی، امکان تحلیل ساختارمند رفتار اقتصادی عاملان آموزش عالی و طراحی سیاست‌های دقیق‌تر را برای تصمیم‌گیران فراهم می‌آورد. (کیوراج، ماتئی، پریکویی، سالمی و اسکات^۳، ۲۰۱۵) با این حال، با وجود برخی مطالعات پراکنده در زمینه چالش‌های اقتصادی دانشگاه‌های کشور، همچنان فقدان یک چارچوب مفهومی یکپارچه برای تبیین ابعاد و مولفه‌های پیوست اقتصادی در نظام تصمیم‌سازی دانشگاه‌ها احساس می‌شود. پژوهش‌های بین‌المللی نیز عمدتاً بر وضعیت موجود تمرکز

1 Iordache

2 Toutkoushian and Paulson

3 Curaj, Matei, Pricopie, Salmi, J, Scott

داشته و راهبردی عملی برای پیاده‌سازی این مفهوم در حکمرانی دانشگاهی ارائه نکرده‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ نظری و کاربردی، در پی آن است تا با شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های پیوست اقتصادی، چارچوبی مفهومی برای بهره‌گیری از آن در مدیریت دانشگاهی ارائه دهد. در این چارچوب، مدیریت دانشگاه به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر، پیوست اقتصادی به‌عنوان ابزار تصمیم‌سازی با رویکرد اقتصادی و هدف نهایی نیز ارتقای کارکردهای اقتصادی دانشگاه تلقی می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند نقشه راهی برای مدیران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دانشگاه‌ها فراهم آورد تا با اتخاذ تصمیمات مبتنی بر آموزه‌های علم اقتصاد و به‌طور خاص اقتصاد آموزش، گامی در جهت توسعه اقتصادی دانشگاه‌ها برداشته شود.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریه‌های اقتصاد آموزش عالی مرتبط با پیوست اقتصادی

در این بخش برخی از مهم‌ترین نظریه‌های اقتصاد آموزش عالی که می‌توانند مبنای نظری پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاهی باشند، موردبررسی قرار می‌گیرند. نخست، نظریه سرمایه انسانی^۱ است که بنیان نظری اقتصاد آموزش را شکل داده و آموزش عالی را نوعی سرمایه‌گذاری اقتصادی می‌داند که منجر به افزایش بهره‌وری، درآمد فردی و رشد اقتصادی می‌شود (نادری، ۱۳۸۳). بر اساس این نظریه، پیوست اقتصادی به‌منزله ابزاری جهت تبیین بازده سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و ارتقای توجه اقتصادی دانشگاه برای سیاست‌گذاران و جامعه است. از منظر دیگر، نظریه انتخاب عقلانی^۲ دانشگاه‌ها را به‌مثابه کنشگران منطقی در نظر می‌گیرد که برای حداکثر سازی منافع خود تصمیم‌گیری می‌کنند (چونگ^۳، ۲۰۲۳). بر پایه این نظریه پیوست اقتصادی می‌تواند ابزار طراحی انگیزه‌هایی باشد که رفتارهای اقتصادی دانشگاه و ذی‌نفعان را در جهت مطلوب هدایت کند. نظریه سرمایه اجتماعی نیز بر اهمیت روابط، اعتماد و شبکه‌های مشارکتی تأکید دارد (صفر دوست، پور قاسم و سلامی، ۱۴۰۱). در زمینه آموزش عالی، این نظریه بیانگر نقش دانشگاه در خلق پیوندهای اجتماعی میان نهاد دانشگاه، صنعت و جامعه است؛ پیوست اقتصادی از این منظر می‌تواند تقویت‌کننده ظرفیت دانشگاه برای ایفای نقش به‌عنوان یک کنشگر فعال در اقتصاد منطقه‌ای و ملی باشد. به استناد نظریه هزینه و فایده اجتماعی^۴، تصمیمات دانشگاهی می‌بایست از منظر منافع عمومی و پیامدهای اجتماعی سرمایه‌گذاری، توجیه‌پذیر باشند. پیوست اقتصادی، می‌تواند ابزار مفهومی برای سنجش و نمایش این منافع اجتماعی باشد و به دانشگاه کمک کند تا حمایت نهادهای عمومی را نیز از طریق تحلیل هزینه-فایده اجتماعی کسب کند (بنلاریا و مستفایوی^۵، ۲۰۱۷). نظریه اقتصاد نهادی نو^۶ نیز با تمرکز بر نقش

1 Human Capital Theory

2 Rational Choice Theory

3 Chong

4 Social Cost-Benefit Analysis

5 Benlaria & Mostefaoui

6 New institutionalist economic Theory

نهادهای، قواعد رسمی و غیررسمی، رویکردی کارکردگرایانه به تحلیل رفتارهای اقتصادی سازمانها دارد (حیدری و فتاحی، ۱۴۰۰). بر اساس این نظریه دانشگاهها به عنوان نهادهایی با مأموریت اجتماعی و اقتصادی، متأثر از قوانین بودجهای، مقررات آموزشی، هنجارهای فرهنگی و ساختارهای اجتماعی هستند که رفتار آنها در تخصیص منابع، تصمیم گیریهای مالی و سیاست گذاریهای مدیریتی را شکل می دهد (کای و مهاری^۱، ۲۰۱۵). پیوست اقتصادی می تواند به عنوان چارچوبی مطابق مقررات برای کاهش عدم قطعیت های مالی، جهت دهی انگیزه های درون سازمانی و بهبود حکمرانی اقتصادی دانشگاه عمل کند. نظریه سرمایه نمادین^۲ به عناصر ناملموسی چون اعتبار، شهرت، وجهه و مشروعیت اجتماعی نهادها اشاره دارد. در چارچوب آموزش عالی، این نوع سرمایه نقش کلیدی در توانمندسازی دانشگاهها برای دسترسی به منابع اقتصادی، جذب نخبگان، جلب حمایت عمومی و ارتقای جایگاه اجتماعی ایفا می کند. بر پایه این نظریه، دانشگاههایی که از سرمایه نمادین بالاتری برخوردارند، نه تنها در جذب دانشجو و افزایش تقاضا موفق تر عمل می کنند، بلکه در جلب سرمایه گذاری، توسعه همکاری های صنعتی، تأثیرگذاری بر سیاست گذاری و تحقق پایداری اقتصادی نیز عملکرد بهتری دارند زیرا به واسطه برند و جایگاه دانشگاه، زمینه جذب منابع و ارتقای نقش اقتصادی آن در سطح ملی و بین المللی فراهم می شود. (هولمکوویست^۳، ۲۰۲۱) در مجموع، این نظریه ها نشان می دهند که دانشگاه نه فقط نهاد آموزشی و پژوهشی، بلکه بازیگری اقتصادی با نقش های متنوع است و پیوست اقتصادی می تواند ابزار ابفای این نقش ها در قالب سازوکارهای تحلیلی، سیاستی و نهادی باشد.

مدل های مدیریت اقتصادی در دانشگاهها

مدیریت اقتصادی دانشگاهها به معنای توانایی راهبردی در تأمین منابع مالی، تخصیص اثربخش آنها، حفظ پایداری اقتصادی و خلق ارزش افزوده در ابعاد اقتصادی و اجتماعی است در دهه های اخیر، دانشگاهها برای پاسخ گویی به چالش های فزاینده تأمین مالی و افزایش بهره وری، از مدل های متنوعی بهره گرفته اند که هریک در شرایط و با اهداف خاصی به کار گرفته می شوند. در ادامه به بررسی برخی از این مدل ها با محوریت ارتباط با پیوست اقتصادی پرداخته شده است. مدل بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد یکی از شاخص ترین مدل ها در این زمینه است که تمرکز آن بر تخصیص منابع مالی بر اساس نتایج و خروجی های قابل اندازه گیری است، نه صرفاً ورودی ها. شاخص هایی مانند تعداد فارغ التحصیلان، درآمدهای پژوهشی، نرخ اشتغال دانش آموزان و کیفیت برنامه های آموزشی نقش کلیدی در این مدل ایفا می کنند. این رویکرد موجب شفافیت مالی، ارتقای بهره وری و افزایش پاسخ گویی مدیران می شود و رقابت هدفمند میان واحدهای دانشگاهی را نیز تقویت می کند (دوتری، جونز، ناتو، لاهر و فیات^۴، ۲۰۱۴). با این حال، اجرای صرف این مدل بدون در نظر گرفتن شاخص های کیفی، می تواند منجر به تضعیف مأموریت های

1 Cai & Mehari

2 Symbolic Capital

3 Holmqvist

4 Dougherty & Jones & Natow & Lahr & Pheatt

علمی عمیق شود. از همین رو، بسیاری از نظام‌های آموزش عالی اجرای این مدل را مشروط به ارزیابی‌های کیفی هم‌زمان دانسته‌اند (رابووسکی^۱، ۲۰۱۲). مدل درآمدزایی ترکیبی نیز تلاش می‌کند با متنوع سازی منابع مالی، پایداری اقتصادی دانشگاه را تقویت کند. در این مدل، درآمد دانشگاه از ترکیبی از شهریه، قراردادهای صنعتی، خدمات مشاوره‌ای، درآمدهای جانبی، سرمایه‌گذاری‌های مالی و کمک‌های خیریه بهره می‌گیرد. این تنوع درآمدی وابستگی دانشگاه به بودجه‌های دولتی را کاهش داده و تاب‌آوری مالی را در برابر نوسانات اقتصادی افزایش می‌دهد (سالمی^۲، ۲۰۰۹). البته این رویکرد با چالش‌هایی چون خطر تجاری‌سازی افراطی مواجه است؛ به‌ویژه در شرایطی که فشار جذب شهریه و همکاری با بخش خصوصی افزایش می‌یابد (مارگینسون^۳، ۲۰۱۳). در همین رابطه، روشن (۱۳۹۲) نیز بر لزوم برخورداری دانشگاه از اعتبارات متنوع و پایدار برای ایفای نقش مؤثر در توسعه اقتصادی کشور تأکید کرده است. مدل اقتصاد مشارکتی و ارزش‌آفرینی اجتماعی، گامی فراتر نهاده و دانشگاه را به‌عنوان نهادی اقتصادی-اجتماعی معرفی می‌کند که با تعامل مؤثر با دولت، صنعت و جامعه مدنی، به خلق ارزش عمومی و توسعه منطقه‌ای می‌پردازد (مازوکتو^۴، ۲۰۱۸). در این چارچوب، دانشگاه به‌مثابه موتور توسعه محلی عمل کرده و از طریق حکمرانی مشارکتی و هدف‌گذاری شفاف، به افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی در محیط پیرامونی خود کمک می‌کند (بنوروث و جانگبلود^۵، ۲۰۱۰). این مدل، با مدل درآمدزایی ترکیبی هم‌راستا بوده و از طریق تعاملات اجتماعی، بسترهای پایداری برای تأمین مالی دانشگاه فراهم می‌آورد. در سطحی دیگر، مدل مدیریت مالی کارآفرینانه با تمرکز بر بهره‌برداری فرصت‌محور از دارایی‌ها، دانشگاه را به‌عنوان نهادی اقتصادی با ویژگی‌های بنگاه‌داری در نظر می‌گیرد. در این رویکرد، استفاده از سرمایه‌گذاری راهبردی، مشارکت تجاری، توسعه برند و مدیریت دارایی در اولویت قرار می‌گیرند (اتزوویتز^۶، ۲۰۱۶). اجرای این مدل مستلزم ارتقای رهبری کارآفرینانه در سطوح مدیریتی دانشگاه است تا با شناسایی فرصت‌های مالی، زمینه خلق منابع جدید و استقلال اقتصادی را فراهم آورد. در واقع، این رویکرد در پیوند با مدل‌های پیشین، ظرفیت خودتکایی دانشگاه را گسترش می‌دهد. در نهایت، مدل اقتصاد داده‌محور و تحلیل تجاری هوشمند، با بهره‌گیری از فناوری‌های کلان داده، هوش مصنوعی و تحلیل پیش‌بینانه، مسیر تصمیم‌گیری مالی را به‌سوی شواهد داده‌محور سوق می‌دهد. این مدل با تحلیل داده‌های مربوط به ثبت‌نام، پیشرفت تحصیلی، مصرف منابع و پروژه‌های تحقیقاتی، امکان پیش‌بینی دقیق جریان‌های مالی و تخصیص بهینه منابع را فراهم می‌سازد (تمبو^۷، ۲۰۲۴). استفاده از هوش تجاری در این مدل، ابزارهای نوینی برای شناسایی روندهای هزینه‌ای و فرصت‌های درآمدی در اختیار مدیران قرار می‌دهد،

-
- 1 Rabovsky
 - 2 Salmi
 - 3 Marginson
 - 4 Mazzucato
 - 5 Benneworth & Jongblod
 - 6 Etzkowitz
 - 7 Mthembu

اگرچه چالش هایی چون امنیت داده، سوگیری الگوریتم ها و کیفیت اطلاعات همچنان مطرح است (الخوالدی، عبدالمحسن، مصادح و ابوالسندس^۱، ۲۰۲۵). از سوی دیگر امروزه در عرصه اقتصاد نگرش های نوینی مطرح شده و دانشگاه های مختلف در سطح دنیا در برنامه ریزی و تصمیمات استراتژیک و اقتصادی خود به آن ها توجه داشته اند از جمله رویکرد اقتصاد سبز دانشگاهی^۲ که بر کاهش مصرف منابع، بهینه سازی مصرف انرژی و توسعه آموزش و پژوهش های زیست محیطی در دانشگاه ها تأکید دارد. این رویکرد در به دنبال آن است که دانشگاه ها به عنوان نهادهای بزرگ مصرف کننده منابع و تولیدکننده دانش، در خط مقدم کاهش آثار زیست محیطی، توسعه فناوری های پاک و ارتقای فرهنگ پایداری قرار گیرند (نهامو^۳، ۲۰۱۴). رویکرد اقتصاد چرخشی^۴ که هدف آن کاهش ضایعات و بهره برداری بهینه از منابع با بازگشت به چرخه تولید و مصرف است و فرصت هایی برای ارتقاء مدیریت اقتصادی دانشگاه، افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی و توسعه کسب و کارهای دانشگاه محور فراهم می کند. (آیوش، رابایا، تومه، آبوشی و آلاونه^۵، ۲۰۲۳). اقتصاد رفتاری^۶ نیز بررسی می کند که چگونه روان شناسی انسان بر تصمیمات اقتصادی تأثیر می گذارد و می تواند به تحلیل بهتری از رفتارهای اقتصادی منجر شود و با تحلیل روان شناختی، به مدیران کمک می کند تا با طراحی مشوق ها و مداخله های رفتاری، بهره وری منابع انسانی و کارایی سیاست های مالی و اقتصادی را بهبود بخشند. (کوج، نفزیر و نیلسن^۷، ۲۰۱۵). بر این اساس، بهره گیری از مدل های کارآمد مدیریت اقتصادی می تواند بستر تحقق اصول حکمرانی خوب از منظر اقتصادی را در دانشگاه ها فراهم ساخته و آن ها را در ایفای نقش پاسخ گویی در برابر جامعه و نهادهای ذی ربط توانمندتر سازد. چرا که رویکرد حکمرانی خوب یک ضرورت در نظام آموزش عالی و مدیریت دانشگاهی است و موفقیت نظام آموزشی در کشور ما برای تولید علم و دانش در گرو پایداری دانشگاه ها به اصول حکمرانی خوب است، دانشگاه ها باید در برابر جامعه، مردم و نهادهای مدنی پاسخگو باشند. در این میان دانشگاه های دولتی نیز به عنوان نهادهای عمومی در جامعه، با مفهوم حاکمیت درگیر هستند و به کارگیری و اجرای حاکمیت خوب در آن ها موجبات رشد و پیشرفت و اثربخشی را به همراه خواهد داشت (کاظمی، مهارتی، صابری، ۱۴۰۲). مجموعه نظریه ها، رویکردها و مدل های مورد بررسی نشان می دهند که پیوست اقتصادی دانشگاه ها نه تنها ریشه در مفاهیم بنیادین اقتصاد آموزش عالی دارد، بلکه ابزاری مؤثر برای بهبود مدیریت اقتصادی دانشگاه ها بوده و به هم افزایی میان منابع، ارتقای بهره وری و افزایش بازدهی سرمایه های دانشگاهی منجر می شوند. در نهایت، به کارگیری این چارچوب های نظری، تفکر اقتصادی دانشگاه ها را تقویت کرده و جایگاه اقتصادی آن ها را در نظام آموزش عالی و توسعه منطقه ای ارتقاء می دهد.

1 Alkhwalidi & Abdulmuhsin & Masadeh & Abu-Alsondos

2 Green Economy

3 Nhamo

4 Circular Economy

5 Ayoush & Toumeh & Aboushi & Alawneh

6 Behavioral Economics

7 Koch & Nafziger & Nielsen

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در مدیریت دانشگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته، اصلاحات گسترده‌ای به‌ویژه در حوزه‌های تأمین مالی، کارآیی اقتصادی و الگوهای حکمرانی دانشگاهی صورت گرفته است، این اصلاحات موجب شکل‌گیری مدل‌های نوین مدیریت مالی و اقتصادی و عبور از رویکردهای غیرعلمی پیشین شده‌اند (زاتوناتسکا، روزکو، لیوتی، کاجنکو و انیسیمووا^۱، ۲۰۱۹) و بسیاری از دانشگاه‌ها پیش از اجرای پروژه‌ها و تصمیمات کلان، از پیوست‌ها و ارزیابی‌های اقتصادی برای تحلیل دقیق هزینه‌ها، منافع و ریسک‌ها استفاده می‌کنند تا اثربخشی و پایداری اقدامات خود را تضمین کنند. برای نمونه، دانشگاه تاسمانیا با طراحی مدل تجاری جامع برای ساخت دانشکده‌های جدید، این تحلیل‌ها را با اهداف استراتژیک خود هم‌راستا می‌سازد. دانشگاه پلی‌تکنیک هنان^۲ چین نیز پیش از اجرای طرح‌ها با استفاده از مدل ارزیابی توسعه پایدار و تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاره، کارایی و اثرات زیست‌محیطی پروژه‌ها را بررسی می‌کند (کی، لی، یین، سانگ و فانگ^۳، ۲۰۲۳). همچنین، دانشگاه میلان ایتالیا با توسعه چارچوب هزینه-فایده، مزایای اجتماعی پروژه‌های زیرساختی را پیش از اجرا تحلیل می‌نماید (فلوریو، فورته، پانکوتی، سیرتوری و ویگنتی^۴، ۲۰۱۶). این نمونه‌ها گویای آن هستند که بهره‌گیری از تحلیل‌های اقتصادی پیش از تصمیم‌گیری می‌تواند به بهینه‌سازی منابع، افزایش اثربخشی و کاهش ریسک در پروژه‌های دانشگاهی منجر شود. در سطح ملی نیز پژوهش‌های گوناگونی در راستای ارتقاء مدیریت اقتصادی دانشگاه‌ها انجام شده است، نادری و همکاران (۱۴۰۲) با طراحی سامانه تصمیم‌یار مالی، به بررسی الزامات محتوایی، انسانی، فنی، مدیریتی و اقتصادی تخصیص منابع مالی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که استفاده از فناوری‌های نوین در مدیریت مالی می‌تواند هزینه‌ها را کاهش داده و کیفیت تصمیم‌گیری را بهبود بخشد. منجم زاده و همکاران (۱۴۰۱) هم با تأکید بر توسعه مدل‌های مالی دانشگاهی، دستیابی به توسعه مالی را مستلزم حکمرانی مطلوب و نگرش سیستمی دانسته‌اند. در بررسی خادمی و همکاران (۱۴۰۱) نیز به چالش‌های اقتصادی آموزش عالی ایران، ناکارآمدی در تخصیص منابع، ضعف در کاربست اصول اقتصادی و مشکلات ساختاری اشاره شده است. همچنین، محجوب، نادری، خرازی و انتظاری (۱۴۰۱) و عزتی و نادری (۱۴۰۱) بر اهمیت بازنگری در سازوکارهای تخصیص منابع مالی و ضرورت بهره‌گیری از سازوکارهای اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی تأکید داشته‌اند. در حوزه فناوری و داده محوری نیز، مطالعاتی همچون کارابستو، کوتوو، داوزیت، گروو و چبوتارو^۵ (۲۰۲۴) و استریلکووسکی، وولچیک، ماسکایو و سالکو^۶ (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که استفاده از ابزارهای هوش تجاری و تحلیل داده‌ها می‌تواند نقش مؤثری در بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری مالی دانشگاه‌ها ایفا کند. همچنین پژوهش مندوزا،

1 Zatonatska & Rozhko & Lyutyty & Tkachenko, & Anisimova

2 Henan

3 Qi & Li & Yin & Song & Fong

4 Florio & Forte & Pancotti & Sirtori & Vignetti

5 Karabtsev & Kotov & Davzit & Gruov & Chebotarev

6 Strielkowski & Volchik Maskaeve & Savko

گالگو و آزاپاگیک^۱ (۲۰۱۹) با معرفی مدل های اقتصاد چرخشی در آموزش عالی، بر کاهش هدر رفت منابع و ارتقای بهره وری با تأکید بر پایداری و حفظ منابع طبیعی توجه شده است. با این حال، اغلب پژوهش ها رویکردی کمی، موردی یا فناورانه داشته و بر بودجه ریزی، تأمین مالی یا فناوری متمرکز بوده اند و بسیاری از مطالعات فاقد تلفیق جامع میان مفاهیم اقتصادی و سازوکارهای مدیریتی دانشگاه ها هستند. همچنین تاکنون چارچوبی منسجم برای تحلیل و تبیین ابعاد پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاهی تدوین نشده است. این خلأ نظری در فضای علمی کشور نیز مشهود است و اقتصاد آموزش عالی هنوز جایگاه جدی در سیاست گذاری نیافته است. نظر به این که روش کیفی فراترکیب^۲ می تواند با تلفیق یافته های کیفی و استخراج مفاهیم بنیادین، چارچوبی نظری ارائه کند. بدین منظور پژوهش حاضر با استفاده از این روش، در پی شناسایی ابعاد و مؤلفه های پیوست اقتصادی و ارائه چارچوبی مفهومی برای ارتقاء مدیریت اقتصادی دانشگاه ها است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت و گردآوری داده ها کیفی و مبتنی بر روش فراترکیب است. روش جمع آوری داده ها در این پژوهش مبتنی بر مطالعه اسناد بوده و جامعه مورد مطالعه، کلیه منابع و پایگاه های علمی داخلی و خارجی در حوزه مدیریت اقتصادی و پیوست اقتصادی در اداره دانشگاه ها در بازه زمانی ۲۰۲۵-۲۰۱۵ میلادی و ۱۴۰۴-۱۳۹۴ شمسی است. در این پژوهش از روش هفت مرحله ای سندلوسکی و باروسو^۳ استفاده شده است که مراحل آن عبارت اند از: ۱- تنظیم هدف پژوهش ۲- بررسی نظام مند متون ۳- جستجو و انتخاب ۴- استخراج اطلاعات ۵- تجزیه تحلیل و ترکیب یافته ها ۶- کنترل کیفیت ۷- ارائه یافته ها (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷) بدین منظور ۳۰۵ مقاله با استفاده از ابزار کاسب^۴ (برنامه مهارت های ارزیابی انتقادی) مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت، ۸۲ مقاله به صورت هدفمند انتخاب شدند، به منظور کنترل کیفیت یافته ها جهت حصول اطمینان از روایی پژوهش از روش بازنگری اساتید راهنما و مشاور استفاده و پیشنهادهای لازم در این زمینه اخذ و اعمال شد. برای سنجش پایایی، محقق با استفاده از آزمون کاپای کوهن^۵ نظرهای خود را با یک خبره دیگر سنجیده است.

یافته های پژوهش

مرحله نخست فراترکیب شامل تدوین پرسش های تحقیق، تعیین جامعه مورد مطالعه و محدوده زمانی به شرح جدول ۱، است. در این پژوهش، پرسش اصلی آن است که پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاهی چه ابعاد و مؤلفه هایی را در برمی گیرد؟

1 Mendoza & Gallego & Azapagic

2 Meta-Synthesis

3 Sandelowski & Barroso

4 CASP (Critical Appraisal Skills Programme)

5 Cohen

جدول ۱- گام اول فرا ترکیب

پارامترها	سؤالات پژوهش
چه چیزی What	ابعاد، مؤلفه‌های مرتبط با پیوست اقتصادی مدیریت دانشگاهی
جامعه مورد مطالعه Who	مقالات علمی پژوهشی نمایه شده در پایگاه‌های علمی، مقالات گوگل اسکالر ^۱ ، اسکوپوس ^۲ و آو ساینس ^۳ و نشریات معتبر داخلی
محدودیت زمانی When	بازه زمانی جستجوی مقالات از سال ۲۰۲۵-۲۰۱۵ و ۱۴۰۴-۱۳۹۴

مرحله دوم، بررسی نظام‌مند متون: در این مرحله، جستجوی نظام‌مند در عنوان، چکیده، کلیدواژه‌ها و متن مقالات پایگاه‌های داده بر اساس معیارهای مندرج در جدول ۱، انجام شد. معیار ورود شامل پژوهش‌های فارسی و انگلیسی مرتبط و معتبر و معیار خروج شامل منابع نامعتبر یا غیرآزاین دو زبان بوده است. اهم مفاهیم کلیدی جستجو شده به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲- مفاهیم کلیدی مورد جستجو

ردیف	مفاهیم کلیدی فارسی	مفاهیم کلیدی انگلیسی
۱	اقتصاد دانشگاهی	Academic Economics
۲	اقتصاد آموزش عالی	Economics of Higher Education
۳	ارزیابی اقتصادی	Economic Evaluation
۴	مدیریت اقتصادی دانشگاه‌ها	Economic Management of Universities
۵	تصمیمات اقتصادی در دانشگاه‌ها	Economic Decisions in Universities
۶	پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاه‌ها	Economic Annex in University Management

در مرحله سوم، برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌ها از ابزار کاسب استفاده شد که صحت، اعتبار و قابلیت اطمینان مطالعات کیفی را می‌سنجد. این ابزار معیارهایی چون اهداف تحقیق، روش‌شناسی، طرح، نمونه‌برداری، گردآوری داده، تعمیم نتایج، ملاحظات اخلاقی و وضوح یافته‌ها را بررسی می‌کند. تعداد مقالات اولیه ۳۰۵ بود که پس از غربالگری عناوین، ۲۴۷ مقاله وارد بررسی دقیق‌تر شدند. از این میان، ۳۲ مقاله با امتیاز بالای ۴۰ (خیلی خوب)، ۱۶ مقاله با امتیاز ۳۰ تا ۳۵ (خوب) و ۳۴ مقاله با امتیاز ۲۵ تا ۳۰ (متوسط) قرار گرفتند. در نهایت، تمامی مقالات با امتیاز بالاتر از ۲۵ تأیید و با رد سایر مقالات، ۸۲ مقاله پذیرفته شدند. در مرحله چهارم، اطلاعات هر پژوهش شامل نام نویسندگان، سال انتشار و محتوای مرتبط طبقه‌بندی شد و با روش تحلیل محتوای کیفی، مفاهیم کلیدی استخراج گردید. در مرحله پنجم، مفاهیم مشابه بر اساس جدول

1 Google Scholar

2 Scopus

3 Web of Science

شماره ۳ دسته‌بندی و به‌صورت منسجم ترکیب شدند. این فرایند منجر به شناسایی ۷۹ مفهوم کلیدی گردید که در قالب ۲۲ مقوله ثانویه سازمان یافت. در نهایت، این مقوله‌ها در ۸ مقوله اولیه ادغام و مبنای تحلیل نهایی پژوهش قرار گرفتند.

جدول ۳- شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاهی

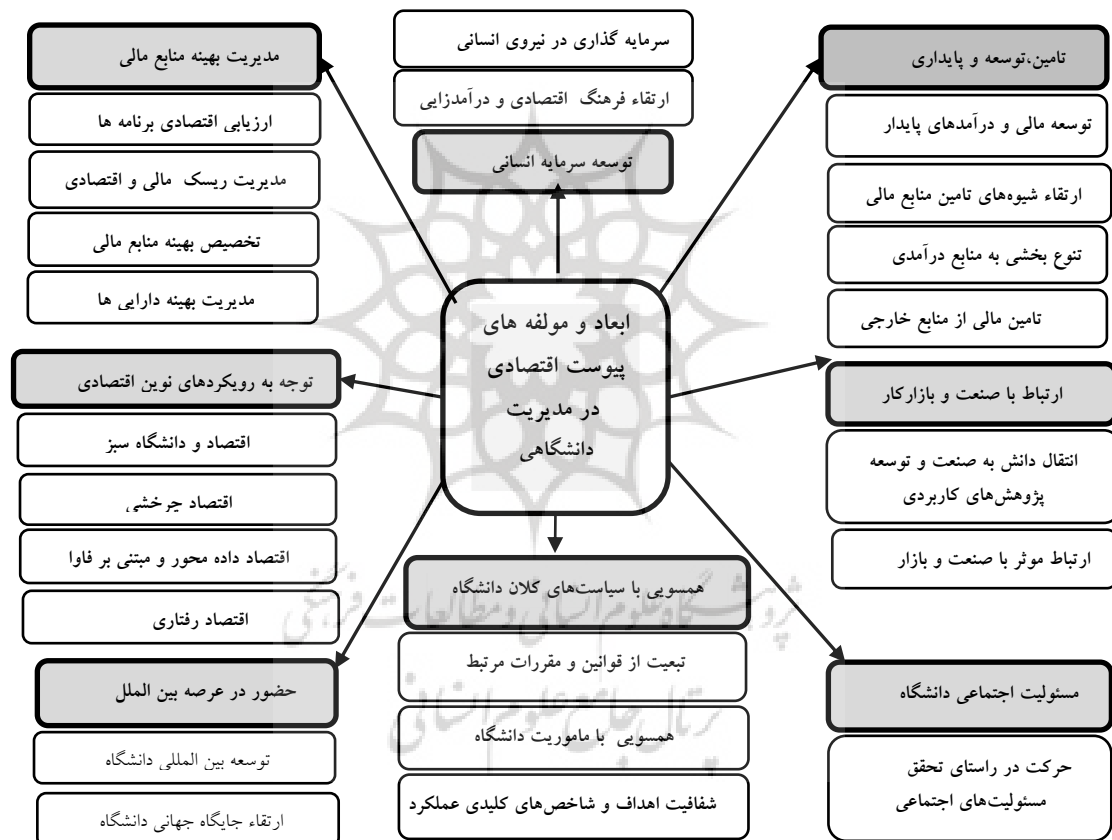
مقوله‌ها	مفاهیم	کد	منبع
۱-مدیریت بهینه منابع مالی	ارزیابی اقتصادی برنامه‌ها و طرح‌ها	تحلیل هزینه-فایده و اثربخشی، کاهش هزینه‌های زائد، نیازسنجی تصمیم‌گیری، اندازه‌گیری تأثیرات اقتصادی، تعیین رابطه هزینه-درآمد-خروجی، شفافیت مالی، توسعه خدمات پربازده، برآورد هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم، ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری، جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی، استفاده از روش‌های ارزیابی اقتصادی و وزن دهی بازدهی طرح‌ها.	(Hanushek, E. A, Ettema, 2017) (Keykha, A. 2018) (Lakshmi, 2024) (Izadi, S, Rabiei, 2022) (Benlaria, Mostefaoui, 2017) (Trincu-Dragusin, Mihai, Blanco, 2016)
	مدیریت ریسک مالی و اقتصادی	ارزیابی دقیق پروژه‌ها/بررسی ریسک قبل از سرمایه‌گذاری/سرمایه‌گذاری متنوع برای کاهش ریسک/تدوین استراتژی مقابله با ریسک/تحلیل و ارزیابی ریسک‌ها/مدیریت ریسک نقدینگی و اعتباری	(Permana, Haliah, Kusumawatti, Pertiwi, Ihlashulamal, 2024) (Shaposhnikov, 2019)
	تخصیص بهینه منابع مالی	استفاده بهینه از منابع تخصیص‌یافته قبلی / شفافیت عملکردی مالی/افزایش کارایی مالی با تخصیص منابع به بخش‌های موفق‌تر و مؤثرتر/الویت بندی تخصیص منابع	(Shakouri, Faraji, 2024) (Keykha, Ezzati, 2022) (Alavi, Easy, 2024)
	مدیریت بهینه دارایی‌ها	شناسایی و مدیریت سرمایه فکری به‌عنوان دارایی‌های استراتژیک و مزیت رقابتی/حفظ و افزایش دارایی‌های دانش‌بنیان از طریق شیوه‌های مؤثر مدیریت دانش/تقویت مزیت رقابتی پایدار/استفاده از سیستم‌های مدیریت پیشرفته و تجزیه و تحلیل داده‌ها برای مدیریت دارایی‌ها	(ISTikhoroh & Ardiani, 2022) (Omodan, 2024) (TabeshmofradArabi, Pourfakharan, Maleki, 2023)
۲-تأمین، توسعه و پایداری مالی	توجه به توسعه مالی و درآمدهای پایدار	توجه به ثبات و تنوع درآمد/بهینه‌سازی فرایندهای تأمین مالی/بازنگری فرایندهای مالی/توجه به تأمین تخصیص کارآمد/طراحی اقتصادی برای توسعه پایدار/استفاده از مدل‌های مالی نوآورانه همچون استارت‌آپ‌ها/بورس‌های علمی به‌منظور جذب منابع مالی جدید	(Lakshmi, 2024), (Nafisi, Tae, Arasteh, Ghourchian, 2021) (Yoo, Hoiston, Szilagyi, Schaferlong, 2015) (Akhavanhezaveh, Ejtehadi, Mohammedi, 2021) (Monajemzadeh, Naderi, Pourrostami, Gerayenijad, 2022) (Monajemzadeh, S, et al. 2019), (Strielkowski, W, et al, 2020)
	ارتقاء شیوه‌های تأمین منابع مالی	حضور دانشگاه در بازار دانش/حذف رانت در جذب اعتبارات/تنوع منابع درآمدی و ثبات مالی/جذب منابع از بخش خصوصی و خیرین	(Akhavanhezaveh et al. 2021) (Izadi, S, Rabiei, 2022) (Rohani, Abaspour, Rahimian, Borzoeian, Gherayenijad, 2022)

مقوله‌ها	مفاهیم	کد	منبع
تنوع‌بخشی به منابع درآمدی	تأمین مالی از منابع خارجی	حفاظت از استقلال مالی / رشد و توسعه درآمدزا/تنوع سبد درآمدی/فعال‌سازی ظرفیت قانونی/وصول مطالبات/بازاریابی نوین/صندوق سرمایه‌گذاری/جذب حمایت بیرونی/مشارکت ملی/وام مشروط بر درآمد	(Ismaili Kia, 2015) (Jakimiuk, Matsui, Podlasek, Koda, Goli, Singh, 2023) (Izadi, S, Rabiei, 2022) (Ramazani, Azizi, Shafiei Sarwstani, 2019) (Lawrence, E. C. 2015) (Kundzina, Rivza, Grenevica, Rivza, 2023) (Rohayati, Najdi, Williamson, 2016) (Marynovych, V. 2023)
		مشارکت پولی یا غیر پولی با سایر دانشگاه‌ها/بین‌المللی سازی خدمات/قراردادهای پژوهشی بین‌المللی	(Nafisi, G et al.2021) (Mastrobattista, 2023)
۳-توسعه سرمایه انسانی	سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی	سرمایه‌گذاری در آموزش/توانمندسازی و توسعه ظرفیت انسانی/بهبود کیفیت و بهره‌وری نیروی کار/جذب و نگهداشت نیروهای دانش‌گرم/مدیریت استعداد/تربیت سرمایه انسانی فرهیخته و منعطف/کاهش ریسک فرسایش	(Keykha, 2018) (Khadami et all. 2022) (Naghdi, Shah talebi, Nadi, 2022) (Ghobadi Alvar, Mousavi, ShariatiNejad.2022)
	ارتقاء فرهنگ اقتصادی و درآمدزایی	آشنایی کارگزاران با مباحث اقتصادی/تقویت درآمدزایی و نگرش اقتصادی مدیران/حذف بوروکراسی و قوانین بازدارنده/استفاده از مدیران متخصص	(Izadi, S, Rabiei, 2022) (Tabeshmofrad et al.2023)
۴-توجه به رویکردهای نوین اقتصادی	اقتصاد و دانشگاه سبز	مدیریت و مصرف مسئولانه انرژی‌های تجدید پذیر/سرمایه‌گذاری در نوآوری انرژی/حفاظت محیط‌زیست و مقابله با تغییرات اقلیمی	(liyanage, s. i. h, 2022), (karpash, Zhovtoulia, Yavorskiy, Rybitskiy, Tsykh, 2024)
		توسعه پایدار دانشگاه/مدیریت سبز و تخصیص منابع/استانداردهای پایداری زیرساختی	(Moradi, Soleimani, Shafizadeh, 2021) (Azeiteiro, Filho, Davim, 2017)
		مدیریت سبز/سازمان‌دهی عملیات دانشگاه/توسعه فرصت‌های آموزشی و پژوهشی سبز/تقویت فرهنگ و فناوری سبز/مدیریت پسماند و بهینه‌سازی منابع	(Jakimiuk, A et al.2023) (Moradi, et al. 2021)
	رویکرد اقتصاد چرخشی	زیرساخت چرخشی/انرژی تجدید پذیر/مدیریت چرخشی/تحلیل پایداری/درگیر سازی ذینفعان/تعریف استراتژی اقتصاد چرخشی	(Mendoza, J. et al. 2019) (Ogunmakinde, O. E, 2024)
		تدوین و آموزش برنامه‌های درسی چرخشی/مهارت‌های پایداری/دروس عمومی و تخصصی بازیافت	(Ogunmakinde, O. E. 2024)
رویکرد اقتصاد رفتاری		توجه به مشوق‌های رفتاری/مدیریت سوگیری‌ها/ساده‌سازی اطلاعات/انگیزش کارگزاران/سواد مالی/هنجارهای اجتماعی/محیط کاری مؤثر/بازخورد مستمر	(Ansarisamani, Pourfaraj, Zareh, Amini, 2015) (Koch, Nafziger, Nielsen, 2015)

مقوله ها	مفاهیم	کد	منبع
	رویکرد اقتصاد داده محور و مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات	استفاده از کلان داده/مدل های تصمیم گیری داده محور/تحلیل هوشمند و هوش تجاری/دیجیتالی سازی دانشگاه/اقتصاد داده محور/برنامه های درسی داده کاوی/آموزش مقرون به صرفه با فناوری نوین	(Liu, Y, 2024), (Hsu, S, 2020) (Karabtsev, S. N et al. 2024) (Njenga, Rodello, Hartl, Jacob, 2017) (Johnson, A, 2019) (Keykha, A, 2018) (Babu, Ma. k, 2018) (Almagtome, Shaker, AlFatlawi, Bekheet, 2019) (Naderi, Fathi Tabar, Ezzati, Deh mohamdi, 2023) (Strielkowski, W et al. 2020)
۵- تقویت ارتباط و تعامل با صنعت و بازار کار	انتقال دانش به صنعت و توسعه پژوهش های کاربردی	تجاری سازی پژوهش و نوآوری/انتقال دانش به اقتصاد/شراکت با صنعت و بخش خصوصی/ارتباط با بازار کار/تجاری سازی پتنت ها و پروژه ها/توسعه پارک های فناوری و مراکز رشد	(Keykha, 2018) (Mohammadpourmir, Shojai, 2019) (Shakouri et al. 2024) (Haghighi, Tae, 2016) (Koochack, Farah Pahlou, Osareh, 2020)
	ارتباط مؤثر با صنعت و بازار کار	ارتباط دانشگاه با بازار و صنعت/تبدیل علم به فناوری و تولید/رویکرد نوآورانه و کارآفرینانه در حل مسائل صنعت	(Nafisi, G et al. 2021)
۶- تحقق مسئولیت اجتماعی دانشگاه	حرکت در راستای تحقق مسئولیت های اجتماعی	تحقیق و پژوهش در راستای نیازهای جامعه/ تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار و ایجاد فرصت های شغلی/تولید علم و انتقال آن به جامعه / نزدیک شدن به الگوی دانشگاه اجتماعی	(Aghajeri, Kazemi. Mahvazi, Kolahi, 2023) (Haghighi, M. Tae, 2016)
۷- همسویی با برنامه ها و سیاست های کلان دانشگاه	تبعیت از قوانین و مقررات مرتبط	تبعیت از قوانین نهادهای اقتصادی دانشگاه/توجه به ترتیبات و ساختارهای نهادی و عوامل محیطی	(Lv, Z, 2016) (Melear, K. B, 2022) (Monajemzadeh, S et al. 2022)
	همسویی برنامه های اقتصادی با مأموریت دانشگاه	مدل های اقتصادی مبتنی بر رسالت دانشگاه/انطباق مالی با اهداف آموزشی و پژوهشی/تعادل مأموریت ها/جلوگیری از تجاری سازی افراطی	(Shestakovska, Kashyna, Fokina, 2019)
	شفافیت اهداف و شاخص های کلیدی عملکرد	پاسخگویی به ذینفعان (دانشجویان، اعضای هیئت علمی، کارکنان، دولت و صنعت)/جلوگیری از فساد مالی و مدیریتی/امکان ارزیابی عملکرد بر اساس شاخص های کلیدی عملکرد/تعیین اهداف روشن و قابل اندازه گیری / شفافیت در تصمیم گیری	(Biondi, Russo, 2022) (Strielkowski, W et al. 2020)
۸- حضور در عرصه بین الملل و جهانی	استراتژی های جذب و توسعه بین المللی دانشگاه	جذب دانشجویان خارجی با ارائه دوره های بین المللی/ برنامه های تبادل دانشجوی و استاد/توسعه خوابگاه ها و خدمات برای دانشجویان بین المللی/ بهبود تجربه دانشجویی برای افزایش اعتبار جهانی/جذب اساتید بین المللی	(Avolio, Benzaquen, 2024)

مقوله‌ها	مفاهیم	کد	منبع
ارتقاء جایگاه جهانی دانشگاه	بهبود جایگاه دانشگاه در رتبه‌بندی‌های علمی/برند سازی از طریق نوآوری و فناوری / ایجاد مشارکت و همکاری بین دانشگاهی	(Shestakovska et al.2019) (Strielkowski, W et al,2020)	

در مرحله ششم، برای کنترل کیفیت از ابزار کاسب و مقایسه نظر پژوهشگر با یک خبره دیگر استفاده شد. میزان توافق با شاخص کاپا (بین ۰ تا ۱) سنجیده شد که در نرم‌افزار SPSS برابر با ۰.۸۸۴ به دست آمد. این مقدار بالاتر از حد پیشنهادی ۰.۶ (جانسن و آلن^۱، ۱۹۹۶) بوده و نشان‌دهنده پایایی مناسب کدهای استخراجی است. در مرحله هفتم، با روش استقرایی و تحلیل محتوای کیفی، واحدهای معنایی از داده‌ها استخراج و بر اساس شباهت‌های مفهومی به مؤلفه‌ها و سپس ابعاد مفهومی دسته‌بندی شدند؛ در نهایت ۷۹ مفهوم کلیدی، ۲۲ مقوله ثانویه و ۸ مقوله اولیه به شرح شکل ۱ شناسایی شد.



شکل ۱-چارچوب مفهومی ابعاد و مؤلفه‌های پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاهی

¹ Jensen & Allen

نتیجه گیری

در شرایطی که دانشگاه‌ها با چالش‌های مالی و فشارهای ناشی از کاهش بودجه عمومی مواجه‌اند، ضرورت بازاندیشی در مدل‌های اقتصادی اداره دانشگاه‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. لذا پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم پیوست اقتصادی، تلاشی برای ارائه چارچوب تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری مؤثر در مدیریت دانشگاهی است. یافته‌ها مؤید آن است که پیوست اقتصادی به مثابه یک ابزار تحلیلی و تصمیم‌سازی، می‌تواند زمینه‌ساز تحول در نظام حکمرانی اقتصادی دانشگاه‌ها باشد. بررسی پیشینه نظری نشان داد که مطالعات و تجارب مختلفی در این حوزه صورت گرفته، اما نتایج ارائه‌شده رویکردی جامع و کلی نداشته است، لذا در این پژوهش سعی شد با بهره‌گیری از روش فراترکیب و مروری جامع بر ادبیات تحقیق، چارچوبی از پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاهی ارائه شود، این چارچوب با شناسایی ۷۹ مفهوم پایه و تلخیص آن‌ها در ۲۲ مؤلفه کلیدی و دسته‌بندی مؤلفه‌های مرتبط در ۸ بعد اصلی شامل (۱) مدیریت بهینه منابع مالی (۲) تأمین، توسعه و پایداری مالی (۳) توسعه سرمایه انسانی (۴) توجه به رویکردهای نوین اقتصادی (۵) تقویت ارتباط و تعامل با صنعت و بازار کار (۶) تحقق مسئولیت اجتماعی دانشگاه (۷) همسویی با برنامه‌ها و سیاست‌های کلان دانشگاه (۸) حضور در عرصه بین‌الملل شکل گرفت. مدیریت بهینه منابع مالی به عنوان اولین بعد، نقش حیاتی در افزایش بهره‌وری اقتصادی دانشگاه‌ها دارد. ارزیابی اقتصادی برنامه‌ها و طرح‌ها، تحلیل هزینه-فایده، مدیریت ریسک مالی و اقتصادی، تخصیص بهینه منابع مالی و مدیریت بهینه دارایی‌ها تأثیر بسزایی در مدیریت بهینه منابع مالی دارند. از این رو دانشگاه‌ها نیازمند نهادینه‌سازی تحلیل‌های اقتصادی نظیر تحلیل هزینه-فایده، هزینه-اثربخشی و برآورد بازده سرمایه‌گذاری در تصمیم‌سازی‌های خود هستند (کیخا، ۱۳۹۹) چرا که ضعف در جمع‌آوری داده‌های اقتصادی، نبود شفافیت مالی و فقدان ارزیابی منسجم پروژه‌ها موجب اتلاف منابع و کاهش کارایی دانشگاه‌ها شده است (بنلاریا و همکاران، ۲۰۱۷). فقدان نظامی برای ارزیابی اقتصادی پروژه‌ها و تحلیل ریسک‌های مالی یکی از نقاط ضعف اساسی در مدیریت سرمایه‌گذاری و تصمیم‌سازی مالی به شمار می‌رود. بی‌توجهی به ریسک‌های نقدینگی، اعتباری و عملیاتی، موجب شده است برخی پروژه‌ها با شکست مواجه شوند یا منابع ارزشمند بدون بازدهی کافی مصرف شوند (شاپوشنیکوف^۲، ۲۰۱۹). این مسئله بیانگر ضرورت فوری برای تدوین استراتژی‌های مقابله با ریسک و تنوع‌بخشی در سرمایه‌گذاری‌های دانشگاهی است تا زمینه مدیریت اقتصادی پایدار فراهم شود (پرمانا، حالیا، کیوساماواتی، پرتیوی، احلاشوالم^۳، ۲۰۲۴). از سوی دیگر توجه به استفاده بهینه از منابع، شفافیت مالی و اولویت‌بندی تخصیص منابع، نقش مهمی در افزایش کارایی و پاسخ‌گویی دانشگاه‌ها ایفا می‌کند (شکوری و علوی، ۱۴۰۳) و (استیخوروه و اردهیانی، ۲۰۲۲)، با این حال، در بسیاری از دانشگاه‌های کشور، نبود نظام تخصیص

¹ Benlaria

² Shaposhnikov

³ Permana & Haliah & Kusumawati & Pertiwi & Ihlashulam

⁴ Istikhoroh & Ardiani

اثربخش، ضعف در مدیریت سرمایه‌های فکری و دانش‌بنیان و فقدان تحلیل داده محور، مانعی جدی در مسیر دستیابی به مزیت رقابتی پایدار و حکمرانی اقتصادی کارآمد است (تابش مفرد و همکاران، ۱۴۰۲). این وضعیت تا حد زیادی ناشی از ضعف در نظام برنامه‌ریزی مالی مبتنی بر عملکرد، نبود زیرساخت‌های داده محور برای تصمیم‌گیری اقتصادی و فقدان نگاه استراتژیک به دارایی‌های ناملموس دانشگاه، مانند سرمایه فکری است. همچنین ساختارهای مالی متمرکز و غیر شفاف مانع از انعطاف‌پذیری و مدیریت بهینه منابع مالی می‌شوند. از سوی دیگر، محدودیت در ظرفیت مدیریتی و فقدان آموزش‌های تخصصی در حوزه اقتصاد دانشگاهی باعث شده است مدیران کمتر به تحلیل هزینه-فایده و ارزیابی بازدهی پروژه‌ها تکیه کنند. افزون بر این، کم‌توجهی به فرهنگ پاسخ‌گویی مالی و شفافیت اطلاعاتی نیز موجب استمرار این وضعیت شده است. در بعد تأمین، توسعه و پایداری مالی و اهمیت آن در پیوست اقتصادی می‌توان گفت تحقق پیوست اقتصادی در دانشگاه‌ها مستلزم گذار از درآمدهای ناپایدار و وابسته به دولت، به‌سوی نظام مالی چند منبعی، نوآور و پایدار است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ثبات درآمدی و تنوع‌بخشی به آن، بازنگری در فرایندهای مالی و به‌کارگیری مدل‌های تأمین مالی نوین همچون بورس‌های علمی و مشارکت‌های فناورانه برای تحقق این هدف ضروری‌اند. نتایج پژوهش‌های اخوان و نفیسی (۱۴۰۰) و منجم زاده (۱۳۹۸) نیز مؤید اهمیت این موضوع در دانشگاه‌های ایران است. ارتقاء شیوه‌های تأمین منابع مالی نیز به اهمیت بازطراحی نقش دانشگاه در بازار عرضه و تقاضای دانش و حذف سازوکارهای ناکارآمد مانند رانت و رابطه محوری در جذب اعتبارات و حرکت به‌سوی ثبات مالی از طریق تنوع‌بخشی منابع، جذب سرمایه از بخش خصوصی، موقوفات و خیرین و مشارکت‌های مالی به‌عنوان راهبردی مؤثر برای عبور از محدودیت‌های مالی دانشگاه‌ها می‌پردازد. این نتایج با مطالعات ایزدی و ربیعی (۱۴۰۰) و روحانی، رحیمیان، عباس پور، برزویان و گرابی نژاد (۱۴۰۱) مطابقت دارد که بر حضور فعال دانشگاه در تعاملات اقتصادی، ارتقاء الگوهای تأمین مالی و ایجاد پیوندهای مؤثر با بخش‌های غیردولتی تأکید دارند. تنوع‌بخشی به منابع درآمدی دانشگاه‌ها نیز، به‌عنوان عاملی جهت کاهش وابستگی به شهریه و بودجه‌های دولتی و حرکت به سمت استقلال مالی و مدیریت منعطف شناسایی شد. این مهم از طریق توسعه فعالیت‌های درآمدزا، فعال‌سازی ظرفیت‌های قانونی، بازاریابی خدمات دانشگاهی و ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری برای پژوهش و نوآوری امکان‌پذیر می‌شود. همچنین، جذب حمایت‌های مالی از خیرین و مشارکت در پروژه‌های ملی نیز به‌عنوان بخشی از راهبردهای تقویت استقلال مالی دانشگاه‌ها مطرح شده است. یافته‌های حاضر با نتایج پژوهش‌های اسماعیلی کیا (۱۳۹۴) و کاندزینا^۱ و همکاران (۲۰۲۳) نیز هم‌راستا است که بر ضرورت تحول نگرش مدیران دانشگاهی نسبت به بازاریابی، تأمین مالی چند منبعی تأکید دارند. تأمین مالی از منابع خارجی و بین‌المللی سازی خدمات آموزشی و پژوهشی و مشارکت پولی و غیر پولی با دانشگاه‌ها و نهادهای بین‌المللی و قراردادهای پژوهشی مشترک، بهره‌برداری از منابع حمایتی بین‌المللی نیز به دانشگاه‌ها امکان می‌دهد تا تأمین مالی پایدار

را از سطح ملی به سطح فراملی گسترش دهند. این یافته با مدل درآمدزایی ترکیبی و نتایج پژوهش مستروباتیستا^۱ (۲۰۲۳) هم سو است که بر استفاده از ظرفیت های فرامرزی در تأمین مالی آموزش عالی و گسترش پیوندهای علمی با نهادهای جهانی تأکید دارد. در بعد سرمایه انسانی، یافته ها نشان دهنده اهمیت نقش سرمایه انسانی در تصمیمات دانشگاهی و مؤید نظریه سرمایه انسانی است، چرا که سرمایه گذاری در آموزش، توانمندسازی و مدیریت استعدادها، بهره وری نیروی انسانی را افزایش و ریسک فرسایش سرمایه انسانی را کاهش می دهد (نقدی و همکاران، ۱۳۹۹). این بعد با نظریه هزینه و فایده اجتماعی^۲، نیز همسو است زیرا تصمیمات دانشگاهی می بایست از منظر منافع عمومی و پیامدهای اجتماعی نیز توجیه پذیر باشند. مؤلفه دیگر این بعد، بیانگر اهمیت ارتقای فرهنگ اقتصادی، انگیزه درآمدزایی، تقویت نگرش اقتصادی مدیران و لزوم آشنایی کارگزاران با مباحث اقتصادی است (خادمی و همکاران، ۱۴۰۱). در مجموع، می توان نتیجه گرفت، توسعه سرمایه انسانی و ارتقای فرهنگ اقتصادی، به عنوان دو بازوی مکمل، در زمینه ی نقش سرمایه انسانی در مدیریت اقتصادی دانشگاه ها هستند. در بعد رویکردهای نوین اقتصادی، نتایج بررسی ها نشان دهنده لزوم توجه مدیران دانشگاهی به رویکردهای نوین همچون اقتصاد سبز و اقتصاد چرخشی به عنوان ضرورتی استراتژیک است (لیاناکه^۳، ۲۰۲۲) و (کارپاش^۴ و همکاران، ۲۰۲۴)؛ زیرا این رویکردها به دانشگاه ها امکان می دهند تا ضمن کاهش هزینه ها و استفاده بهینه از منابع، نقش فعالی در حفاظت محیط زیست، توسعه پایدار و مسئولیت پذیری اجتماعی از منظر زیست محیطی ایفا کنند. بی توجهی به این رویکردها فرصت های نوآوری، جذب سرمایه و تعامل مؤثر با صنایع سبز و فناوری از بین می برد (اوگونماکینده^۵، ۲۰۲۴). از دیگر رویکردهای نوین اقتصادی، رویکرد اقتصاد رفتاری است که با طراحی مشوق های رفتاری، مدیریت سوگیری های شناختی، انگیزش کارکنان و ارتقای سواد مالی، رفتارهای مطلوب را در دانشگاه تقویت می کند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۴) به عبارتی این رویکرد، با کاهش خطاهای تصمیم گیری، کارایی سیاست های اقتصادی را بهبود می بخشد (کوچ و همکاران، ۲۰۱۵). در نهایت توجه به رویکرد اقتصاد داده محور در مدیریت دانشگاهی و بهره گیری از فناوری های کلان داده، امکان تحلیل دقیق عملکرد و پیش بینی نیازهای دانشگاه را فراهم می کند (جانسون^۶، ۲۰۱۹)، به نحوی که با مدل های تصمیم گیری اقتصادی مبتنی بر داده و تکنیک های هوش تجاری، کارایی تخصیص منابع و برنامه ریزی استراتژیک افزایش می یابد (لیو^۷، ۲۰۲۴). از سوی دیگر دانشگاه ها می توانند با حرکت به سوی سازمان های مبتنی بر داده، توسعه برنامه های درسی داده کاوی و میان رشته ای و کاربست روش های مقرون به صرفه آموزشی در بستر فناوری های نوین،

1 Mastrobattista

2 Social Cost-Benefit Analysis

3 liyanage

4 karpash

5 Ogunmakinde

6 Johnson

7 Liu

دیجیتالی سازی دانشگاه را تسریع کرده و مدیریت اثربخش و نوآورانه را تضمین کنند (بابو^۱، ۲۰۱۸) و تصمیم‌های مدیریتی و اقتصادی خود را بر پایه تحلیل شواهد و داده‌های دقیق استوار سازند. بعد تعامل با صنعت و بازار کار نه تنها یک ضرورت عملکردی بلکه یک راهبرد تحول‌آفرین در ارتقاء کارکرد اقتصادی دانشگاه‌هاست. ارتباط هدفمند با بخش‌های اقتصادی، از طریق تجاری‌سازی پژوهش‌ها، ایجاد پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و توسعه همکاری با صنایع، می‌تواند زمینه انتقال دانش به جامعه را فراهم سازد و دانشگاه را از یک نهاد صرفاً آموزشی به یک کنشگر اقتصادی فعال تبدیل کند. این تعامل دوسویه، هم موجب جذب منابع مالی پایدار می‌شود و هم نقش دانشگاه را در حل مسائل واقعی صنعت و کسب‌وکار برجسته می‌سازد. مطالعات متعدد نیز بر این هم‌راستایی تأکید دارند؛ از جمله پژوهش کیخا (۱۳۹۷) که بر سیاست‌گذاری برای تجاری‌سازی علم تأکید دارد و محمد پورمیر و شجاعی (۱۳۹۸) که ارتباط با صنعت را بستر اصلی خلق ارزش اقتصادی از علم می‌دانند. این بعد از پیوست اقتصادی با مدل‌های اقتصاد مشارکتی و ارزش‌آفرینی اجتماعی مطابقت دارد. حرکت در راستای مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی دیگر از ابعاد کلیدی پیوست اقتصادی و همسو با نظریه‌های سرمایه اجتماعی و هزینه-فایده اجتماعی، نقشی محوری در هم‌راستایی تصمیمات اقتصادی با نیازهای جامعه ایفا می‌کند. دانشگاه‌ها با تمرکز بر تحقیق و پژوهش در راستای نیازهای جامعه، تربیت نیروی انسانی متناسب با بازار کار، ایجاد فرصت‌های شغلی و تولید و انتقال علم به جامعه، نه تنها به توسعه پایدار اقتصادی کمک می‌کنند، بلکه به الگوی دانشگاه اجتماعی نزدیک‌تر می‌شوند (آقاجری و همکاران، ۱۴۰۲). این اقدامات، از طریق تقویت ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت، علاوه بر، افزایش تأثیرگذاری اجتماعی و ارتقای جایگاه دانشگاه‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی می‌شوند توجه به همسویی با سیاست‌های کلان دانشگاه در پیوست اقتصادی برای تصمیم‌گیری‌های پایدار و مؤثر، حیاتی است. به استناد نظریه اقتصادی نهادی نو و طبق مطالعات میلر^۲ (۲۰۲۲) و منجم زاده و همکاران (۱۴۰۱)، رعایت قوانین اقتصادی و توجه به ساختارهای نهادی، چارچوبی منسجم برای فعالیت‌های مالی دانشگاه فراهم می‌کند. همچنین، شستاکووسکا^۳ و همکاران (۲۰۱۹)، تأکید دارند که انطباق برنامه‌های اقتصادی با رسالت دانشگاه، از تجاری‌سازی افراطی آموزش جلوگیری کرده و تعادل بین اهداف علمی و اقتصادی را حفظ می‌کند. به‌زعم بیوندی^۴ و همکاران (۲۰۲۲) شفافیت، پاسخگویی به ذینفعان و استفاده از شاخص‌های کلیدی عملکرد، از فساد مالی جلوگیری کرده و ارزیابی عملکرد را بهبود می‌بخشد. این همسویی، پیوست اقتصادی را به ابزاری برای تحقق اهداف دانشگاه تبدیل می‌کند. از منظر جایگاه بین‌المللی دانشگاه‌ها نتایج مطالعات نشان داد که حضور فعال در عرصه بین‌الملل به‌عنوان یکی از ابعاد پیوست اقتصادی، نقش کلیدی در تقویت جایگاه اقتصادی و

1 Babu

2 Melear

3 Shestakovska

4 Biondi

علمی دانشگاه‌ها ایفا می‌کند. بر اساس مطالعات (آولیو و بنزاکون^۱، ۲۰۲۴)، استراتژی‌های جذب دانشجویان و اساتید بین‌المللی، ارائه دوره‌های بین‌المللی، توسعه برنامه‌های تبادل دانشجوی و استاد و بهبود زیرساخت‌ها اعتبار جهانی دانشگاه را افزایش داده و جریان‌های درآمدی جدیدی ایجاد می‌کند. شستاکوفسکا و همکاران (۲۰۱۹) و استریلکوفسکی^۲ و همکاران، (۲۰۲۰) تأکید دارند که بهبود جایگاه دانشگاه در رتبه‌بندی‌های علمی، برند سازی از طریق نوآوری و فناوری، ایجاد مراکز نوآوری و پارک‌های علم و فناوری و تقویت همکاری‌های بین دانشگاهی، به ارتقای جایگاه جهانی دانشگاه و جذب منابع مالی پایدار کمک می‌کند این اقدامات، در چارچوب نظریه سرمایه نمادین، با افزایش اعتبار و شهرت دانشگاه، سرمایه نمادین تولید می‌کنند که به جذب منابع مالی و انسانی بیشتر منجر شده و پیوست اقتصادی را با اهداف بین‌المللی هم‌راستا می‌سازد.

پیشنهادهای

در راستای تحقق پیوست اقتصادی در مدیریت دانشگاه‌ها، مجموعه‌ای از اقدامات راهبردی و اجرایی پیشنهاد می‌شود: در محور نخست، مدیریت بهینه منابع مالی، استقرار نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد می‌تواند به تخصیص کارآمد منابع به فعالیت‌های دارای بازده اقتصادی مشخص منجر شود. در این راستا، طراحی پیوست اقتصادی برای پروژه‌های آموزشی، پژوهشی و عمرانی، ابزاری مؤثر جهت ارزیابی هزینه-فایده و صرفه‌جویی منابع خواهد بود. همچنین بهره‌گیری از ابزارهای تحلیل داده و توسعه داشبوردهای مالی به دانشگاه‌ها امکان پایش دقیق و لحظه‌ای هزینه‌ها و درآمدها را می‌دهد. در محور دوم، تأمین، توسعه و پایداری مالی، پیشنهاد می‌شود صندوق‌های نوآوری و سرمایه‌گذاری مشترک با بخش خصوصی به منظور حمایت از طرح‌های اقتصادی دانش‌بنیان ایجاد گردد. تنوع‌بخشی به منابع درآمدی از طریق توسعه خدمات آموزشی بین‌المللی، تجاری‌سازی تحقیقات و اجاره دارایی‌های غیر مولد نیز می‌تواند پایداری مالی دانشگاه را تقویت کند. همچنین گسترش مشارکت‌های عمومی-خصوصی در پروژه‌های زیرساختی، روشی مؤثر در تأمین مالی خارج از بودجه‌های دولتی است. در محور سوم، توسعه سرمایه انسانی، اجرای برنامه‌های آموزشی در حوزه سواد مالی، کارآفرینی و تحلیل اقتصادی برای اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان ضروری است. ایجاد نظام‌های انگیزشی از طریق مشوق‌های مالی، ترفیع علمی و امتیازات پژوهشی می‌تواند مشارکت فعال در فعالیت‌های اقتصادی را افزایش دهد. از سوی دیگر، تربیت مدیران اقتصادی حرفه‌ای از طریق آموزش‌های تخصصی، موجب بهبود عملکرد ساختارهای اداری و اقتصادی دانشگاه خواهد شد. در محور چهارم، توجه به رویکردهای نوین اقتصادی، تلفیق مفاهیم اقتصاد سبز، چرخشی، داده محور و رفتاری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دانشگاه، تحولی بنیادین ایجاد می‌کند. در حوزه مدیریت اقتصادی سبز، اقداماتی همچون نصب سیستم‌های هوشمند

¹ Avolio & Bezaquen

² Strielkowski

مدیریت انرژی (مانند حسگرهای روشنایی و سیستم‌های گرمایش/سرمایش بهینه) برای کاهش مصرف انرژی در ساختمان‌ها و در زمینه اقتصاد چرخشی راهکارهایی همچون راه‌اندازی سیستم‌های تفکیک و بازیافت پسماند در سطح پردیس‌های دانشگاهی و ایجاد مراکز نوآوری مرتبط پیشنهاد می‌شوند؛ و در زمینه رویکرد اقتصادی داده محور نیز پیشنهاد می‌شود، راه‌اندازی زیرساخت‌های فناوری برای بهره‌برداری از کلان داده‌ها و توسعه نظام‌های ارزیابی اقتصادی بر مبنای داده، مورد توجه قرار گیرند. به عنوان نمونه، با بهره‌گیری از تحلیل داده‌های خروجی تحقیقات (مانند تعداد مقالات، ارجاعات و تأثیر علمی)، دانشگاه‌ها می‌توانند بودجه پژوهشی را به گروه‌ها و پروژه‌های با بازده بالاتر تخصیص دهند. همچنین به کارگیری اصول اقتصاد رفتاری در طراحی خدمات و سیاست‌های اقتصادی دانشگاه، به ویژه در حوزه‌های بازاریابی آموزشی، شهریه گذاری و بسته‌های خدماتی می‌تواند منجر به افزایش مشارکت ذینفعان، جذب مخاطبان هدف بیشتر و ارتقای اثربخشی مالی گردد. در محور پنجم، تقویت ارتباط و تعامل با صنعت و بازار کار، پیشنهاد می‌شود توسعه دفاتر انتقال فناوری و مراکز رشد برای تجاری‌سازی دانش و تحقق دانشگاه کارآفرین مدنظر قرار گیرد. همچنین، عقد قراردادهای بلندمدت با شرکت‌های صنعتی برای اجرای پروژه‌های پژوهشی مشترک و مشارکت نمایندگان صنعت در تدوین برنامه‌های درسی، به تقویت پیوند دانشگاه و بازار کار کمک شایانی خواهد کرد. در محور ششم، تحقق مسئولیت اجتماعی دانشگاه، لازم است منابع مشخصی برای حمایت از پروژه‌های اقتصادی با اثرگذاری اجتماعی بالا مانند طرح‌های اشتغال‌زایی محلی اختصاص یابد. تدوین گزارش‌های سالانه پیوست اقتصادی و اجتماعی دانشگاه و راه‌اندازی بسترهای تعاملی با ذی‌نفعان محلی نیز موجب ارتقای شفافیت و پاسخگویی عمومی خواهد شد. در محور هفتم، همسویی با برنامه‌ها و سیاست‌های کلان دانشگاه، تدوین نقشه راه اقتصادی در راستای سیاست‌های دانشگاه و نهادهای سازنده پیوست اقتصادی در تمامی طرح‌ها و برنامه‌ها ضروری است. همچنین، هماهنگی با نهادهای سیاست‌گذار مانند وزارت علوم و سازمان برنامه‌بودجه، زمینه‌ساز بهره‌مندی از حمایت‌های حاکمیتی می‌شود. در نهایت، در محور هشتم، حضور مؤثر در عرصه بین‌الملل، دانشگاه‌ها باید در شبکه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی اقتصادی و علمی مشارکت فعال داشته باشند. توسعه آموزش‌های بین‌المللی درآمدزا و همکاری اقتصادی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهان در پروژه‌های مشترک، امکان جذب سرمایه، فناوری و ارتقای برند دانشگاه را فراهم می‌سازد. پیشنهاد می‌شود، در تحقیقات آتی تأثیر اجرای پیوست اقتصادی بر بهره‌وری اقتصادی دانشگاه‌ها مورد مطالعه قرار گیرد و تأثیر به کارگیری ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده، در عملکرد دانشگاه‌ها از نظر صرفه‌جویی هزینه، افزایش درآمدها و توسعه پایدار بررسی شود.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از صاحب‌نظرانی که در روند انجام این تحقیق و نگارش مقاله، با حمایت‌ها و مشاوره‌های ارزشمند یاری رساندند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی در رابطه با نتایج پژوهش ندارند

منابع

- Aghajeri, Roozbeh, Kazemi, Abbas, Mahvazi, Reza, & Kolahi, Mohammad Reza. (2023). Examination of the forms of university social responsibility and moving beyond them. *Iranian Cultural Research Quarterly*, 16(3), 59-91. doi: 10.22035/jicr.2023.3221.3513 [In Persian]
- Akhavanhezaveh, F. Ejtahadi, M. Mohammadi Davoodi, A. H. Mohammadi, K. (2021). Identifying and Explaining the Dimensions and Components of Creating a Role for the Board of Trustees in Funding the University and its Improvement, 14(1), 129-156. doi: 10.52547/MPES.14.1.129 [In Persian]
- Alavi, Sayyed Ehsan and Easy, Ehsan. (2024). the impact of performance-based budgeting on the efficiency and effectiveness of financial resources in universities. *Public Sector Accounting and Budgeting*, 5(3), 57-80. doi: 10.22034/psab.2024.203747 [In Persian]
- Alkhwaldi, A. F. Abdulmuhsin, A. A. Masa'deh, R. E. & Abu-AlSondos, I. A. (2025). Business intelligence adoption in higher education: the role of data-driven decision-making culture and UTAUT. *Journal of International Education*
- Almagtome, A. Shaker, A. Al-Fatlawi, Q. & Bekheet, H. (2019). The integration between financial sustainability and accountability in higher education institutions: An exploratory case study. *Integration*, 8(2), 202-221.
- Ansari Samani Habib, Pourfaraj Alireza, Zareh, Masoud, Amini, Abass, (2015). An Introduction to Behavioral Economics: Concept, Methodology and the Ways for Extracting the Preferences, *Biannual Journal Eqtesad-e Tatbigi*, 2(1), 37-71.
- Avolio, B. & Benzaquen, J. (2024). Internationalization strategies for non-Western higher educational institutions: a systematic literature review and conceptual framework. *International Journal of Educational Management*, 38(4), 1079-1099.
- Ayoush, M. Rabayah, H. Toumeh, A. Aboushi, A. Alawneh, R. (2023). Circular Economy Practices in Higher Education Institutions: Towards Sustainable Development. In: Yaseen, S.G. (eds) *Cutting-Edge Business Technologies in the Big*
- Azeiteiro, U. M. Filho, W. L. & Davim, J. P. (2017). *Higher Education Institutions in a Global Warming World: The transition of Higher Education Institutions to a Low Carbon Economy*. River Publishers.
- Babu, G. S. & MA, K. S. (2018). Role of information and Communication Technology (ICT) in higher education: A study. *International Journal of Multidisciplinary Education and Research*, 9(5), 103-109.
- Benlaria, H. & Mostéfaoui, S. (2017). Investment Evaluation of Higher Education Through Cost-Benefit Analysis: Evidence from Adrar University-Algeria. *Journal of Education and Practice*, 8(3), 89-97. <https://files.eric.ed.gov/fulltext/EJ1131543.pdf>
- Benneworth, P. & Jongbloed, B. (2010). Who matters to universities? A stakeholder perspective on humanities, arts and social sciences valorisation. *Higher Education*, 59(5), 567-588. <https://doi.org/10.1007/s10734-009-9265-2>
- Biondi, L. & Russo, S. (2022). Integrating strategic planning and performance management in universities: a multiple case-study analysis. *journal of management and governance*, 26(2), 417-448.
- Cai, Y. & Mehari, Y. (2015). The use of institutional theory in higher education research. In *Theory and method in higher education research* (pp. 1-25). Emerald Group Publishing Limited.
- Chong, D. (2023). Rational Choice as an Empirical and Normative Model of Political Behavior. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780197541302.013.3>
- Curaj, A. Matei, L. Pricopie, R. Salmi, J. & Scott, P. (2015). *The European higher education area: Between Critical Reflections and Future Policies*. Springer.
- Dougherty, K. J. Jones, S. M. Natow, R. S. Lahr, H. E. Pheatt, L. E. & Reddy, V. T. (2014). Envisioning performance funding impacts: The espoused theories of action for state higher education performance funding in three states.
- Etzkowitz, H. (2016). *The triple helix: University-industry-government innovation in action*. Routledge.

- Ezzati, Mitra, and Naderi, Abolghasem. (2022). The Impact of Financial Resource Allocation Mechanisms on the Educational Performance of Academic Departments: A Case Study of the University of Tehran. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 15(2), 23-54. [In Persian]
- Florio, M. Forte, S. Pancotti, C. Sirtori, E. & Vignetti, S. (2016). Exploring cost-benefit analysis of research, development and innovation infrastructures: An evaluation framework. *arXiv preprint arXiv:1603.03654*. <https://arxiv.org/abs/1603.03654>
- Ghobadi Alvar, Ahmad, Mousavi, Seyed Najm Al-Din, and Shari'at Nejad, Ali. (2022). Analysis and Evaluation of Human Resource Risks in the Higher Education System: Case Study of Islamic Azad University of Lorestan. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 24(3), 107-129. [In Persian]
- Haghighi, M. & Taei, H. (2016). Entrepreneurial university: The need of today's economy. *Strategic Development Journal*, 12(1), 60. [In Persian]
- Hanushek, E. A. & Ettema, E. (2017). Defining Productivity in Education: Issues and Illustrations. *American Economist*, 62(2), 165-183
- Heidari, S. Almasi, M. & Fattahi, Sh. (2021). New Institutional Economics: An inquiry into the meaning, significance, and function of institutions in the economy. The 11th International Conference on New Research in Management, Economics, and Development. Retrieved from <https://civilica.com/doc/1325203>
- Holmqvist, M. (2021). Economics as symbolic capital: The consecration of elite business schools. *Theory and Society*, 1-21. <https://doi.org/10.1007/S11186-021-09455-Z>
- Hsu, S. (2020). Educational Big-Data practice: a model for combining requirements and technologies. In *Communications in computer and information science* (pp. 605-610). https://doi.org/10.1007/978-981-15-6113-9_69
- Hsu, S. (2020). Educational Big-Data practice: a model for combining requirements and technologies. In *Communications in computer and information science* (pp. 605-610). https://doi.org/10.1007/978-981-15-6113-9_69
- Ismaili Kia, Gharibe, (2015). Investigating the Methods of Public Universities Financing with Resistance Economics Approach Using the ANP Method (Case Study: Public Universities in the West of Country) [In Persian]
- Istikhoroh, S. & Ardiani, M. R. (2022). Creating A Competitive Advantage For Universities Through Knowledge-Based Strategic Assets Management. *KnE Social Sciences*. <https://doi.org/10.18502/kss.v7i19.12443>
- Izadi, Samad . Rabie, Mehdi (2022). Deliberation on problems of financing and diversification of financial resources in public universities, *Journal of Educational Planning Studies*, 10(20), 72-87. magiran.com/p2518173
- Jakimiuk, A. Matsui, Y. Podlasek, A. Koda, E. Goli, V. S. N. S. Voběrková, S. Singh, D. N. & Vaverková, M. D. (2023). Closing the loop: A case study on pathways for promoting sustainable waste management on university campuses. *The Science of the Total Environment*, 892, 164349. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2023.164349>
- Johnson, A. T. (2019). ICT4D, Policy Landscapes, and Practice Arenas: A Review of and Reflection on ICT Actors and Applications in African Higher Education. *Annual Review of Comparative and International Education* 2018, 133-156.
- Karabtsev, S.N. Kotov, R.M. Davzit, I.P. Gurov, E.S. Chebotarev, A.L. (2024). Development of a Data Mart for Business Analysis of the University's Economic Performance. In: Silhavy, R. Silhavy, P. (Eds) *Data Analytics in System Engineering. CoMeSySo 2023. Lecture Notes in Networks and Systems*, vol 910. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-53552-9_23
- Karpash, M. Zhovtulia, L. Yavorskiy, A. Rybitskiy, I. Tsykh, V. & Karpash, O. (2024). Universities as regional leaders for sustainable energy and climate EU-harmonized policies. In «Scientific Route» OÜ eBooks (pp. 139-168). <https://doi.org/10.21303/978-9916-9850-6-9.ch5>
- Kazemi, Mostafa; Maharti, Yaqoub; Saberi, Elaheh. (2023). University Mission-Oriented: An Effective Step toward Higher Education Governance. *Governance and Development*, 3(4), 79-104. doi: 10.22111/jipaa.2024.432169.1153 [In Persian].
- Keykha A, Ezati M (2022). Identifying the Challenges and Solutions of the Mechanisms of Providing and Allocating Financial Resources within a Faculty (case study: University of Tehran), 14(4), 55-79. [In Persian]
- Keykha, A. (2018). A Critical Reflection on Cost-Benefit Analysis in the Public and Higher Education System of Iran. *Educational Leadership Research*, 5(17), 59-89. [In Persian]

- Khadami, Mohammad; Fatth tabar firozjaee, Kazem. (2022). A Review of Issues (Challenges of the Higher Education Economy in Iran). *Journal of Educational Leadership and Management Research*. [In Persian]
- Koch, A. Nafziger, J. & Nielsen, H. S. (2015). Behavioral economics of education. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 115, 3–17. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2014.09.005>
- Koochack, Atoosah, Faraj Pahloo, Abdolhossein, and osareh, Farideh. (2020). Mutual Information Approach in University-Industry Collaboration in Transition to Third Generation Universities in Iran, 6(2) (issue 12), 123-146. [In persian]
- Kundzina, L. Rivza, B. Grinevica, L. & Rivza, P. (2023). General Fundraising Trends among University Patrons and Entrepreneurs to Promote the Sustainability of Universities. *Sustainability*. <https://doi.org/10.3390/su151410868>
- LAKSHMI, M. V. (2024). Cost benefit analysis. *International Scientific Journal of Engineering and Management*, 03(05), 1–9. <https://doi.org/10.55041/isjem01828>
- Lawrence, E. C. (2015). Student Managed Investment Funds: An International Perspective. *Social Science Research Network*. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2698650
- Liu, Y. (2024). Data-driven research on higher education management and decision-making techniques and their applications. In *AIP Conference Proceedings* (Vol. 3131, No. 1). AIP Publishing.
- Liyanage, S. I. H. (2022). Scope for green knowledge and innovation. In *Innovation, technology and knowledge management* (pp. 25–39). https://doi.org/10.1007/978-3-030-97850-1_2
- Lv, Z. (2016). A Study on Measurements and Problems of the Internal Financial Control in Colleges and Universities. *International Journal of Simulation-Systems, Science & Technology*, 17(45).
- Mahjoub, Hassan, Naderi, Abolghasem, Kharazi, Kamal, and Entezari, Yaqoub. (2022). Strategic Financial Decision-Making in Public Comprehensive Universities. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 24(2), 53-83. [In Persian]
- Marginson, S. (2013). The impossibility of capitalist markets in higher education. *Journal of Education Policy*, 28(3), 353-370.
- Marynovych, V. (2023). International partnership of universities as a necessary condition for their sustainable development during economic uncertainties. <https://doi.org/10.31732/2663-2209-2022-71-31-37>
- Mastrobattista, M. M. (2023). Public and Private Partnerships for Higher Education Financing (pp. 113–128). https://doi.org/10.1007/978-981-19-7391-8_8
- Mazzucato, M. (2018). *The value of everything: Making and taking in the global economy*. Hachette UK.
- Melear, K. B. (2022). Key legal aspects for higher education administrators. In *Organization and administration in higher education* (pp. 202–229). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003272908-14>
- Mendoza, J. M. F. Gallego-Schmid, A. & Azapagic, A. (2019). A methodological framework for the implementation of circular economy thinking in higher education institutions: Towards sustainable campus management. *Journal of Cleaner Production*, 226, 831–844. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.04.060>
- Mohammadpourmir, Mohammad Mehdi, and Shojai, Sameh. (2019). Exploring Contextual Factors Affecting the Commercialization of Technological Research Achievements: A Case Study of Technical and Vocational University. *Karafen*, 16(46), 33-50. SID. [In Persian]
- Monajemzadeh, Seyed Saeed, Naderi, Abolghasem, Gerayenijad, Gholamreza, & Pourrostami, Nahid. (2019). Investigation and explanation of the factors influencing financial development in universities (Case study: University of Tehran). *Financial Economics (Financial Economics and Development)*[In Persian]
- Monajemzadeh, Seyed Saeed, Naderi, Abolghasem, Pourrostami, Nahid, & Gerayenijad, Gholamreza. (2022). Developing a model for university financial development based on grounded theory. [In Persian]
- Moradi, G. Golshan, S. Soleimani, N. & Shafizadeh, H. (2021). Green Management Strategies in Higher Education Institutions based on Environmental General Policies
- Mthembu, M. S. (2024). Research Data Management in Higher Education Institutions: Literature Review. *Information, Knowledge, and Technology for Teaching and Research in Africa: Data and Knowledge Management*, 45-63.
- Naderi Roshanvand, Abolghasem, Fattahi Tabar Firouzjaei, Kazem, Ezati, Mitra, & Deh Mohammadi, Mostafa. (2023). Decision-support system for financial resource allocation in universities: Requirements and implications. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 29(2), 27-50. doi: 10.61838/irphe.29.2.2[In Persian]
- Naderi, A. (2004). *Economics of Education*. Tehran: Yastroun.
- Nafisi, G. Taei, H. Arasteh, H. R. & Gholi Ghorchian, N. (2021). Identification and Ranking of Financial Resource Methods Effective on the Financial Performance of Universities. *Leadership and Educational Management*, 3(15), 199-225[In Persian]

- Naghdi, Masoumeh; Shah Talebi, Badri; and Nadi, Mohammad Ali. (2022). Identifying the components of education and human capital development in the transition from the traditional university to the future university by mixed method, 26(1), 51-75. [In Persian]
- Nhamo, G. (2014). Reviewing some implications of the green economy for higher and further education institutions. The Southern African Journal of Environmental Education, 30, 79-95. <https://doi.org/10.4314/sajee.v30i0.121967>
- Njenga, J. K. Rodello, I. A. Hartl, K. & Jacob, O. (2017). Identifying opportunities and challenges for adding Value to Decision-Making in Higher Education through academic analytics. In Advances in intelligent systems and computing (pp. 474-480). https://doi.org/10.1007/978-3-319-56538-5_48
- Ogunmakinde, O. E. (2024). Embracing Circular Economy in Australian Universities: Learning from Global Perspectives Using State-of-the-Art Review. In Lecture notes in civil engineering (pp. 657-671). https://doi.org/10.1007/978-3-031-56544-1_41
- Omodan, B. I. (2024). Redefining university infrastructure for the 21st century: An interplay between physical assets and digital evolution. Journal of Infrastructure, Policy and Development, 8(4). <https://doi.org/10.24294/jipd.v8i4.3468>
- Permana, N. B. Haliah, H. Kusumawati, A. Pertiwi, M. I. & Ihlashul'amal, M. (2024). Implementation of Risk Management in an Effort to Realize the Good University Governance Principles. Hasanuddin Economics and Business Review, 8(2), 111. <https://doi.org/10.26487/hebr.v8i2.5776>
- Qi, H. Li, X. Yin, K. Song, X. & Fang, X. (2023). Sustainable development-oriented campus bike-sharing site evaluation model: A case study of Henan Polytechnic University. arXiv preprint arXiv:2308.04454. <https://arxiv.org/abs/2308.04454>
- Rabovsky, T. M. (2012). Accountability in higher education: Exploring impacts on state budgets and institutional spending patterns. Journal of Public Administration Research and Theory, 22(4), 675-700.
- Ramazani, G. A. Gol Afrouz, A. Azizi, N. & Shafiei Sarvestani. (2019). Market Orientation in Higher Education: Exploring the Role and Function of Marketing. Educational Planning Studies, 8(15), 1-18. [In Persian]
- Rohani, Shadi, Rahimian, Hamid, Abaspour, Abbas, Borzoeian, Sammad, & Gharaeenizad, Gholamreza. (2022). University revenue diversification: a path to financial stability. Journal of Research and Planning in Higher Education, 25(1), 77-95. [In Persian]
- Rohayati, M. I. Najdi, Y. & Williamson, J. (2016). Philanthropic Fundraising of Higher Education Institutions: A Review of the Malaysian and Australian Perspectives. Sustainability, 8(6), 541. <https://doi.org/10.3390/SU8060541>
- Rowshan, A. (2013). Approaches to financing public universities. The 6th Conference on the Development of the Financial System in Iran, Tehran: Financial and Investment Group, Center for Studies, Sharif University of Technology, pp. 1-26 [In Persian]
- Safardoust, Mohsen Pourqasem, Reza Salami, (2022). Presenting a model to study the role of intellectual and social capital in the components of knowledge-based economy in Iran, Journal of Human Capital Empowerment, 5(1), 33-56. magiran.com/p2429313 [In Persian]
- Salmi, J. (2009). The challenge of establishing world-class universities. World Bank Publications.
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). Handbook for Synthesizing Qualitative Research. Springer Publishing Company.
- Shakouri, H. Al-Sadat, & Faraji Dehsarkhi, H. (2024). Grounded theory Study of the Industry-University Relations from the viewpoint of the Supreme Leader, 12(1), 119-141 [In Persian]
- Shaposhnikov, S. O. (2019). Risk Management for University Competitiveness Assurance. IEEE Conference of Russian Young Researchers in Electrical and Electronic Engineering. <https://doi.org/10.1109/EICONRUS.2019.8657275>
- Shestakovska, T. Kashyna, G. & Fokina, A. (2019, April). Commercialization of Research and Education as a Factor of Leadership in the Global Educational Space. In Sustainable Leadership for Entrepreneurs and Academics: 2018 Prague Institute for Qualification Enhancement (PRIZK) International Conference "Entrepreneurial and Sustainable Academic Leadership" (ESAL2018) (pp. 363-375). Cham: Springer International Publishing.
- Strielkowski, W., Volchik, V., Maskae, A., & Savko, P. (2020). Leadership and effective institutional economics design in the context of education reforms. Economies, 8(2), 27. <https://doi.org/10.3390/economies8020027>
- Tabesh Mofrad, H. R. Arabi, S. H. Pourfakharan, M. R. & Maleki, M. H. (2023). Futures study of Iranian universities' income sources with the scenario planning approach, 12(2), Fall and Winter 2023. [In Persian]

- Toutkoushian, R. Robert, and Paulson, Michael (2021). Higher Education Economics: Background, Concepts, and Applications. Tehran.University of Tehran Publishing. (Original published 2016)[In Persian].
- Trincu-Dragusin, C.P. Mihai, M. & Blanco-Pascual, L. (2016). Indicators of the economic and financial performance for the public universities in Romania. 1(44), 133–146. http://feaa.ucv.ro/annals/v1_2016/0044v1-013.pdf
- Yoo, B. K. Humiston, S. G. Szilagyi, P. G. Schaffer, S. J. Long, C. & Kolasa, M. (2015). Cost effectiveness analysis of Year 2 of an elementary school-located influenza vaccination program–Results from a randomized controlled trial. BMC health services research, 15, 1-12.
- Zatonatska, T. H. Rozhko, O. D. Lyutyy, I. O. Tkachenko, N. V. & Anisimova, O. Y. (2019). Global Practices of Higher Education Financing: Approaches and models.

